

خدا چون سلام به روی ماهت...

مدرسه ... است.  
لطفاً جای خالی را پر کنید.  
نبرد در اردوگاه



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!



# مدرسه ۴

لطفاً جای خالی را پر کنید

# است.

## نبرد در اردوگاه

جیمز پترسون - کریس تبتس  
امیر حسین دانشور کیان

سرشناسه: پترسون، جیمز، ۱۹۴۷ - م.  
Patterson, James  
عنوان و نام پدیدآور: نبرد در اردوگاه / جیمز پترسون، کریس تبتس؛ مترجم امیرحسین دانشورکیان.  
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۲۹۹ص.  
فروست: مدرسه ... است لطفاً جای خالی را پر کنید.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۵-۷۹-۲ : ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۰۱۴-۷  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا  
یادداشت: عنوان اصلی: Middle School: How I Survived Bullies, Broccoli, and Snake Hill.  
موضوع: داستان‌های کودکان (آمریکایی) -- قرن ۲۰ م.  
موضوع: Children's stories, American -- ۲۰th century --  
شناسه‌ی افزوده: تیتز، کریستوفر  
شناسه‌ی افزوده: Tebbetts, Christopher  
شناسه‌ی افزوده: دانشورکیان، امیرحسین، ۱۳۷۱ - مترجم  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ن۲ ۱۳۹۶ / PS۳۵۵۴  
رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴ [ج]  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۸۰۲۱۸۹



## انتشارات پرتقال

مدرسه ... است. لطفاً جای خالی را پر کنید. نبرد در اردوگاه

نویسنده: جیمز پترسون - کریس تبتس

مترجم: امیرحسین دانشورکیان

مدیر هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / سپیده امینی - فریبا دولت‌آبادی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۰۱۴-۷

نوبت چاپ: اول - ۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: خاورمیانہ

چاپ: کاج

صحافی: تیرگان

قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

«بیایم همیشه کار درست رو انجام بدیم.

همیشه!»

ا.د





## یه پایان کوبنده؟!!

تا حالا شده با خوندن اولین خط یه کتاب، بکوبینش رو میز و بذارینش کنار؟ واسه من شده!



البته امیدوارم با کتاب من این کارو نکرده باشین؛ هرچند اگه کرده باشین هم من از کجا ممکنه بفهمم.

بگذریم.

سلام، من ریف کاجادورین هستم. اگه منو می‌شناسین، حتماً خوب می‌دونین که دوست دارم کارا رو به شیوه‌ی متفاوتی انجام بدم. من به قانون‌شکنی علاقه دارم! البته نه، واقعیتش اینه که من عاشق قانون‌شکنی‌ام؛ مخصوصاً واسه قانون‌های مسخره‌ای مثل حرف نزدن توی راهرو و فقط دو بار دستشویی رفتن در روز و این جور چیزای مزخرف.

نمی‌دونم تا حالا کسی تو کتابش همچین کاری کرده یا نه، ولی من می‌خوام چندتا از پایان‌های احتمالی داستانم رو واسه‌تون تعریف کنم! همین‌جا، اول کتاب می‌خوام این کارو بکنم!

امسال رفتم اردوی تابستون؛ ولی قبل از اینکه هشت هفته‌مون تموم بشه، همه‌چی یه‌کم قروقاطی شد (راستش، خیلی قروقاطی شد) و مجبور شدم زود اسباب‌و اثاثیه‌م رو جمع کنم و برگردم. (در واقع چندتا از مربی‌ها برام جمعشون کردن؛ نه خودم!)

شاید خروج ناگهانیم از اردو، به خاطر این وضعیت اضطراری بوده باشه:







تی تی تی تی تی تی

بی خیال  
بابا!

بی خیال  
بابا!

ایفرا  
اصلاح کن!

نجات دھیرا  
ایفرا

نجات دھیرا  
ایفرا

کامیاب و فلان  
رائجات دھیرا

ایفرا  
نجات دھیرا

ایفرا  
نجات دھیرا

ایفرا  
نجات دھیرا

بی خیال  
بابا!

بی خیال  
بابا!

ایفرا  
نجات دھیرا!

ایفرا  
نجات دھیرا

ایفرا  
نجات دھیرا



شاید هم به خاطر این یکی اتفاق ناخوشایند بوده باشه:

